

تعامل «عرف» و «فرهنگ» اسلامی در راستای پیشرفت الگوی اسلامی - ایرانی

نرگس رحمتی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی لزوم تعامل «عرف» و «فرهنگ» اسلامی در راستای پیشرفت الگوی اسلامی - ایرانی در جامعه می‌پردازد. به نظر می‌رسد که در «عرف» و «فرهنگ» اسلامی - ایرانی تعاملی وجود دارد که به دلیل الگو سازی در یک جامعه دینی می‌توان از این طریق اقدام به توسعه فرهنگی کرد. هدف از این نوشتار بررسی تأثیر تعامل «عرف» و «فرهنگ» در یک جامعه است که به برنامه توسعه در جهت تقویت هویت انسانی کمک می‌کند. تا بتوان، در راستای الگوی اسلامی - ایرانی بهتر گام برداشت. برای تبیین و اثبات این امر، مروری بر برخی از تعاریف «عرف» و «فرهنگ»، بررسی ابعادی از چالش فرهنگی، و برخی از رابطه‌ها و تأثیر تعامل «عرف» و «فرهنگ» اسلامی - ایرانی در جهت تقویت هویت انسانی و نیز به تحلیل برخی از مفاد فرهنگی قانون برنامه پنجم توسعه در امور فرهنگی می‌پردازیم. در ادامه این مقاله با ارائه راهبردها، تحلیل‌ها و نمودارها به بررسی این تعامل و تأثیر این رابطه در چنین جامعه می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: تعامل «عرف» و «فرهنگ»، برنامه پنجم توسعه، الگوی ایرانی - اسلامی

(۱) مقدمه

پیش از ورود به بحث باید یاد آور شد که موضوع حاضر، به لحاظ محتوا بسیار گسترده بوده و دارای ابعاد گوناگون می‌باشد؛ لذا بررسی تفصیلی آن نیاز به وقت وسیع داشته و انجام چنین کاری با نبود وقت کافی و محدودیت مقاله امکان پذیر نیست.

فرهنگ از عمده‌ترین موضوع‌هایی است که هم در زیربنای ساختار و هم در مراحل تولید و بهره‌وری و هم در فرایند تحلیل مسائل گوناگون جامعه، جایگاهی تعیین کننده دارد و با توجه به نام گذاری امسال از جانب مقام معظم رهبری با عنوان تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، جامعه در راستای توسعه فرهنگ اسلامی - ایرانی می‌تواند در امر تولید ملی گام‌های موثری را بردارد و با حمایت از فرهنگ دینی می‌تواند سرمایه انسانی را به استقلال فکری برساند. فرهنگ همواره به عنوان یک محور کلیدی برای رسیدن به اهداف مختلف کشور در اولویت قرار داشته و به عنوان ماندنی‌ترین وجه

^۱. دانشگاه مفید، Vekalat_jaza@yahoo.com

زندگی بشر توصیف شده است. همچنین فرهنگ ریشه در گذشته هر جامعه دارد که باعث ترسیم یک سند چشم انداز می‌شود تا جامعه در مسیر پیشرفت قرار بگیرد.

از طرفی انقلاب اسلامی ایران نیز، به مثابه یک جامعه اسلامی در جهان اسلام تحولات بسیاری را به همراه داشته است و در راستای مهم‌ترین هدف توسعه فرهنگی که رسیدن به جامعه دینی و تقویت هویت انسانی می‌باشد، اقدام نموده. ونیر بخشی از عوامل را که توسعه نیافتگی فرهنگی محسوب می‌شود را اصلاح نموده است.

سوالی که در این قسمت مطرح می‌شود این است که آیا در جامعه عرف بر فرهنگ تاثیرگذار است یا فرهنگ است که بر عرف تأثیر می‌گذارد؟

باید توجه داشت که در جامعه کنونی عرف بر فرهنگ ما تأثیر گذار بوده است. که این امر براساس پیشینه فرهنگی که ایران دارد امری است که شاید در برخی موارد قابل قبول نباشد. روشن است که عرف‌ها و عادت‌های ما با مرور زمان و براساس نیاز اجتماع و از روی اراده شکل گرفته که گاهی به صورت قاعده حقوقی در آمده است.

حال با توجه به پیشینه فرهنگی اسلامی- ایرانی، ما باید در جهتی حرکت کنیم که یک سری عملکردها و عرف‌ها در جامعه پیرو این پیشینه باشد تا بتوان به پیشرفت یک الگوی اسلامی- ایرانی کمک نمود. که بخش عمده ای از این پیشرفت در گرو تعامل «عرف» و «فرهنگ» اسلامی- ایرانی است. و در این تعامل باید مقتضیات زمان و نیاز جامعه بخصوص جوانان را مد نظر قرار داده و براساس فرهنگ اسلامی- ایرانی شروع به الگو سازی کرد. با توجه به وجود برخی از مفاد قانون پنجم توسعه در جهت پیشرفت فرهنگی، لزوم دولت، ملت و رسانه در کنار هم می‌تواند در این توسعه فرهنگی کمک شایانی را به ارمغان آورد.

در این مقاله قصد داریم با ارائه برخی راهبردها در جهت پیشرفت الگوی اسلامی- ایرانی به دنبال بر طرف کردن برخی از این چالش‌ها و در پی آن توسعه فرهنگ اسلامی- ایرانی باشیم.

۲) مفهوم شناسی

عرف:

هر پدیده ای که در میان مردم رواج پیدا کند هر شیوه عملی و گاه گفتاری که مردم آن را در میان جامعه خود متداول کنند چه خوب باشد و پسندیده یا بد و ناپسند و زیان بخش برای فرد و جامعه را عرف می‌گویند. باید بدانیم که پدیده‌های رایج در میان مردم بر پایه اغراض گوناگون گاه بر مبنای عقل و اندیشه و نیاز جامعه و گاه بر مبنای شهوات و تمایلات نفسانی و هوی و هوس متداول می‌شوند پس عرف‌هایی که در جامعه خودنمایی می‌کنند برخی از آن‌ها صحیح و سودمند و عقلایی هستند

و برخی فاسد و زیان بخش که از منشأ هوس بازی و بی بند و باری و وقت گذرانی رایج گردیده‌اند.
(فیض، ۱۳۸۸، ۵۳)

فرهنگ

در تعریف فرهنگ تعابیر بسیاری وجود دارد. در یک تعریف ساده فرهنگ را مجموعه‌ای از تمام ویژگی‌های فکری، معنوی، عاطفی دانست که هر گروه اجتماعی یا جامعه‌ای را مشخص می‌کند. فرهنگ نه تنها شامل هنر و ادبیات است، بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام‌های ارزشی سنت‌ها و باورها را نیز شامل می‌شود.^۱

۳) فرهنگ بستر توسعه:

بی شک والاترین و بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه‌ای هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحرافات فرهنگ هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. و اگر فرهنگ یک جامعه وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد به ناچار دیگر ابعاد آن جامعه جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند.

(صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶۰)

امام خمینی از فرهنگ در بخش‌های مختلف تعبیری متفاوت دارد. این تعبیر نشان می‌دهد که فرهنگ توسعه در گرو توسعه فرهنگی جامعه است. که فرهنگ و پیشینه یک جامعه می‌تواند آن را به یک الگوی مناسب و متناسب با زمان به حرکت در بیاورد. از دیدگاه شهید مطهری عامل اصلی و اساسی توسعه نیاز بشر است که با مرور زمان در برخی موارد و شرایط و با وجود نیازهای جدید زیستی، روانی و اجتماعی در جامعه و پاسخگو نبودن برخی از ابعاد فرهنگی برای رفع نیازهای جامعه از جمله نیاز نوجوانان و جوانان، نبودن جایگزینی مناسب و متناسب با زمان و مکان، جامعه به سمت فرهنگ‌هایی بیگانه هدایت می‌شود. زیرا انسان به دنبال رفع نیازهای خود، درصدد انتخاب یک جایگزین برای خود می‌باشد که در اکثر مواقع به دلیل رفع احتیاجات خود، به سمت الگوهایی حرکت می‌کند که با الگوها و فرهنگ اسلامی- ایرانی در تضاد است و این امر باعث جلوگیری از استقلال فرهنگی و خود باختگی جوامع، بخصوص جوانان می‌شود. تقویت خود باختگی جوانان و هویت دینی، نا دیده گرفتن فرهنگ و ارزش‌ها و عقاید بومی و اسلامی باعث عقب ماندگی فرهنگی می‌شود. فرهنگی که باعث توسعه همه جانبه در کشور است. فرهنگ بستر توسعه است و محور اصلی توسعه نیز توسعه انسانی و فرهنگی است. که اگر انسان دچار خود باختگی شود. به سمت تقلید از الگوهایی

^۱(سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد، راهبردهای علمی توسعه فرهنگی، نشر تبیان، ۱۳۷۹، ص ۷)



حرکت می‌کند که باعث بردگی می‌شود. و بردگی هم باعث عقب ماندگی در امر توسعه انسانی و به تبع آن توسعه اقتصادی، سیاسی ... خواهد شد. از جمله عواملی که باعث این خودباختگی و در پی آن عقب ماندگی انسانی در جامعه می‌شود، گرایش به مادی گرایی، تأثیر پذیری از غرب و در یک کلام غرب زدگی است.

در این مورد امام خمینی ره در رابطه با مکتب‌های مادی و نیز مکتب‌های معنوی و تأثیر آن بر انسان سازی جامعه می‌فرماید:

مکتب‌های مادی تمام هم‌تشان این است که مرتع درست بشود، تمام همت این است که منزل داشته باشند، رفاه داشته باشند. (آنهایی که راست می‌گویند). اسلام مقصدش بالا تر از این‌هاست. مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست یک مکتب مادی معنوی است مادیت را در پناه معنویت اسلام قبول دارد معنویات، اخلاق، تهذیب نفس. اسلام برای تهذیب انسان آمده است برای انسان سازی آمده است همه مکتب‌های توحیدی برای انسان سازی آمده‌اند. و ما مکلفیم که انسان بسازیم. (صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۶، ۱۵)

با توجه به فرموده امام پیشرفت جامعه صرف پیشرفت در اقتصاد نیست و این انسان است که جامعه را به حرکت در می‌آورد. ما باید بر اساس فرهنگ اسلامی - ایرانی انسان بسازیم. برای توسعه کشور ما موظفیم که عرف‌ها و عادت‌هایی که با فرهنگ اسلامی - ایرانی در تضاد است و باعث خود باختگی هویت دینی شده است را به صورت اصولی و زیر ساختی اصلاح کنیم. و با توجه به مرور زمان برای آنان جایگزینی در نظر داشته باشیم. تا بتوانیم جامعه را به سمت پیشرفت الگوی اسلامی - ایرانی هدایت کنیم. و این پیشرفت و هدایت در گرو توسعه فرهنگ اسلامی - ایرانی است.

۴) تعامل ((عرف)) و ((فرهنگ)) اسلامی:

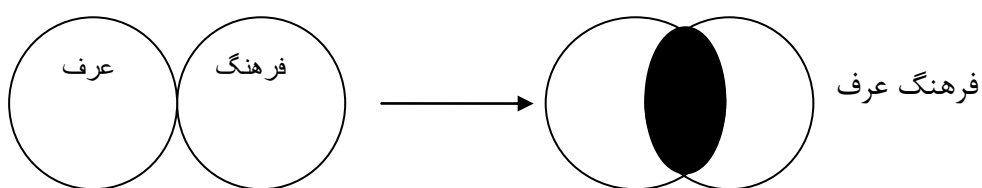
بر اساس مفهوم شناسی که از عرف و فرهنگ صورت گرفت، لازم است در این قسمت به بررسی تعامل «عرف» و «فرهنگ» و تأثیر آن بر جامعه پردازیم:

با بررسی سوابق و پیشینه‌ای که از ایران وجود دارد متوجه می‌شویم که ایران دارای فرهنگی دیرینه است که متأسفانه به دلایل مختلف و به مرور زمان عادت‌ها و عرف‌هایی وارد آن شد که با پیشینه این فرهنگ در تضاد قرار گرفت که البته گاهی نیز این عرف‌ها بر اثر نبود آگاهی وارد این جامعه گردید که با توجه به فرهنگ اسلامی - ایرانی می‌توان این عرف را به صورت زیر ساختی ریشه کن کرد. بنابراین اگر در جامعه، عرفی برخلاف مواضع دینی و شریعت اسلامی دیده شد، لازم است با از میان بردن برخی از این عرف‌های نابجا، فرهنگ سازی صحیحی بر اساس فرهنگ اسلامی - ایرانی صورت پذیرد.

البته در برخی موارد استثنایابی هم وجود دارد که می‌توان با وضع قانون از جانب شارع بعضی از این عرف‌های اشتباه را محدود کرد. که البته ممکن است گاهی این محدودیت‌های ناصحیح باعث فساد بیشتر در جامعه گردد، چرا که باید وضع قانون برای چنین عرف و عادت‌ها به صورت کاملاً مدبرانه و هدفمند قانونگذاری شود.

حال سؤال می‌شود که مبنای حذف یکسری از عرف‌ها و به دنبال آن الزامی شدن بعضی دیگر از عرف‌ها به چیزی بستگی دارد؟ و دیگر اینکه معیارهای الزامی کردن برخی از هنجارهای عرفی چیست؟

بدیهی است که هر یک از این سؤالات به تنهایی نیازمند ارائه مقاله ای جداگانه است. پس باید تمام جوانب را سنجید. تا بتوان به آسیب شناسی زیر ساختی دست یافت. در حقیقت ما می‌توانیم با توسعه فرهنگی در جامعه به برخی از عرف‌ها و عادت‌ها شکل درست و مناسب دهیم. در جامعه امروزی عرف است که بر فرهنگ پیشه گرفته است و این عملکرد در جامعه ای که دارای پیشینه فرهنگی دیرینه است بسیار مناسب نیست و ما باید در جهت حرکت کنیم که فرهنگ اسلامی - ایرانی بر عرف جامعه ما تأثیر بگذارد. یعنی در جامعه، عرف ما باید بخشی از فرهنگ ما باشد نه فرهنگ ما بخشی از عرف ما. به عبارت بهتر، در جامعه ما فرهنگ است که باید بر عرف تأثیر بگذارد نه بالعکس. با توجه به جامعه امروزی، هم عرف بر فرهنگ تأثیر گذار است و هم فرهنگ بر عرف. لذا باید بتوانیم بین عرف و فرهنگ اسلامی تعاملی برقرار کنیم تا به مرور زمان و متناسب با مکان بتوانیم بین عرف و فرهنگ اسلامی - ایرانی ارتباط منطقی برقرار کنیم. و در نتیجه به توسعه فرهنگی جامعه برای الگوی اسلامی - ایرانی کمک رسانییم.



(۱) تعامل «عرف» و «فرهنگ» اسلامی

(۵) جایگاه فرهنگ در برنامه پنجم توسعه:

توسعه، فرآیندی اجتماعی و مبتنی بر عقلانیت عمل است، که در این جریان جامعه از وضعیت غیر عقلانی نامطلوب به سوی وضعیت عقلانی مطلوب گذر می‌کند. (نراقی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸ و ۱۱۹)

با توجه به تعریف توسعه و با نگاهی به قانون پنجم توسعه خواهید دید که با وضع این قوانین، شارع در صدد توسعه ای همه جانبه است. که در قانون برنامه پنجم توسعه و دیدن فصل اول این قانون که با تیتتر فرهنگ اسلامی - ایرانی شروع شده است. متوجه می‌شویم که برای توسعه جامعه، فرهنگ

امری ضروری است. گفتنی است نقش دولتمردان در اجرای این قانون بسیار اثرگذار است؛ همچنین نقش نیروی جوان در راستای پیشبرد این قوانین مهم و اساسی است. همین طور نقش رسانه‌ها در میان مردم هم به مراتب پر رنگ تر از موارد دیگر است.

در سیاست‌های کلی، در بخش فرهنگ نیز از تقویت قانون‌گرایی، انضباط اجتماعی، وجدان‌کاری، خودباوری، پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقاء کیفیت در تولید مطرح شده است. هر کدام از این ابعاد در توسعه کشور نقش مهمی داشته که این نشان‌دهنده با اهمیت بودن نقش توسعه فرهنگی و تأثیر آن بر دیگر ابعاد جامعه را نمایان می‌کند.

جوانان و نوجوانان هم به عنوان نیروهای انسانی باید در کمک کردن به دولتمردان برای اجرای این قانون تلاش لازم را بنمایند.

۶) راهبردهایی در جهت توسعه فرهنگی در راستای الگویی اسلامی - ایران:

هدف اصلی از راهبردها ارائه راه حلی برای برخی مشکلات فرهنگی است. توسعه فرهنگی نیاز به مهندسی فرهنگی دارد. فرهنگ همانند یک فرش ابریشم است که برای بافتن آن باید یک پروسه را طی کرد. در این مهندسی فرهنگی خانواده، مدارس و دانشگاه‌ها نقش به‌سزایی دارند. که تمام تمرکز در این پروسه بر روی آن‌ها باشد. در برنامه پنجم توسعه در ماده ۱۰ و بندهای آن نقش رسانه در این مهندسی فرهنگی بسیار پر رنگ است. راهبردهای زیر در جهت توسعه فرهنگی ارائه شده است.

۱) تشکیل اتاق فکر فرهنگی متمرکز، کمک گرفتن از متفکران علوم‌های مختلف از قبیل فقه اسلامی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی در اتاق فکرها جهت آسیب‌شناسی جامعه به صورت زیر ساختی و ارائه راهکارها.

۲) شروع به آسیب‌شناسی و ارائه راهکار از مدارس و دانشگاه‌ها، شناسایی نقاط قوت و ضعف جامعه جهت فراهم کردن زیر ساخت‌های توسعه فرهنگی

۳) اصلاح آسیب‌های ناشی از تبلیغات، شناسایی ارزش‌های محوری در امر توسعه فرهنگی

۴) نظارت و ارزیابی مستمر بر اتاق فکرها و نحوه اجرای فعالیت‌های فرهنگی در سطح جامعه

۵) اتصال به ریشه‌های دینی با توجه به مقتضیات و نیازهای زمان: جهت رفع وابستگی و کسب استقلال فرهنگی و ایجاد خودباوری و تقویت هویت ملی

۶) تجزیه و تحلیل کردن بعد فرهنگی برنامه پنجم توسعه و ارتباط آن با جامعه در اتاق فکر.

۷) معرفی سبک و رنگ آرایش‌ها، نمادها و نشانه‌های تهاجم فرهنگی در مدارس و دانشگاه‌ها و همکاری رسانه‌ها برای معرفی بهتر این نمادها که بعضاً به صورت عادت و عرف خود را در جامعه نمایان کرده است.



۸) قرآن، نهج البلاغه، صحیفه نور در مدارس و دانشگاه به سبک‌های جدید، متناسب با زمان و مقاطع سنی ارائه شود.

۹) تبیین و تصریح ارزش‌های دینی، رفع ابهامات از دین، اظهار مخالفت با بدی‌های جامعه، با توجه به اهداف بالا، تجزیه و تحلیل شرایط زمانی جامعه، با در نظر گرفتن منابع وامکانات و وضع موجود و تعیین تغییرات مورد نیاز، امیدواریم که بتوانیم در راستای تعامل «عرف» و «فرهنگی» به سمت الگویی اسلامی-ایرانی حرکت کنیم.

نتیجه‌گیری:

به این ترتیب از مجموع آن چه گفته شد، در می‌یابیم که اگر قرار باشد به سمت توسعه فرهنگی حرکت کنیم تا بتوانیم به الگوی اسلامی-ایرانی دست یابیم باید که در جهت فرهنگ اسلامی _ ایرانی حرکت کنیم و بر اساس مقتضیات زمان، به وسیله فرهنگ اسلامی به برخی عرف‌ها و عادت‌ها شکل دهیم. با توجه به گذشته ایران که دارای پیشینه‌ای اصیل و تاریخی است، و با وجود فرهنگی که پیرو این پیشینه است نباید اجازه دهیم که برخی از عادت‌ها و عرف‌ها که با این پیشینه در تضاد است وارد جامعه دینی شود. و فرهنگ را به چالش بکشاند. که این چالش با عث خودباختگی می‌شود.

نتیجه آن که با تعامل برقرار کردن بین «عرف» و «فرهنگ» اسلامی‌های مناسب و متناسب با زمان و ارائه ایده‌های فرهنگی در جهت محدود کردن و یا ریشه کن کردن برخی از عرف‌های نا به جا به صورت مدبرانه، می‌شود در عرصه استقلال فرهنگی و تقویت خودباوری در جهت الگوی اسلامی – ایرانی گامی بلند برداشت و این بدان معناست که با تعامل «عرف» و «فرهنگ» اسلامی می‌توان در اجرای بهتر بر نامه پنجم توسعه حرکت کرد. پس با توجه به فرهنگ سازی دینی در ایران، می‌توان به ابعاد دیگر توسعه هم کمک‌های، به سزایی کرد.

فهرست مراجع:

۱. صحیفه نور، جلد ۷

۲. صحیفه نور، جلد ۱۵

منابع و مأخذ:

۱. الیاسی، حمید. ۱۳۶۸. واقعه توسعه نیا فتگی. اول. تهران. شرکت سهامی انتشارات
۲. راد، فیروز. آ ۱۳۸۲. جامعه شناسی توسعه فرهنگی. تهران. انتشارات چاپ پخش
۳. سبحانی نیا، محمد. ۱۳۸۷. بررسی مسائل جوانان. اول. قم. بوستان کتاب
- ۴) بیلینگتون، روزاموند. سترا بریج، شیلا. لنور، گرین سایدز. فیتزسیمونز، آنت. ۱۳۸۰. فرهنگ و جامعه، جامعه شناسی فرهنگ، ترجمه فریبا عزبدفتری. تهران. نشر قطره

- ۵) علیدوست، ابوالقاسم. ۱۳۸۴. فقه و عرف. چاپ اول. تهران. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلام
- ۶) فیض، علی رضا. ۱۳۸۷. عرف عقلاء. اندیشه‌های حقوقی. اول. ص ۵۳
- ۷) گلباغی ماسوله، سید علی جبار. ۱۳۸۷. در آمدی بر عرف. اول. قم. انتشارات دفتر تبلیغات اسلام
- ۸) سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد، راهبردهای علمی توسعه فرهنگی، نشر تبیان، ۱۳۷۹، ص ۷
- ۹) نراقی، یوسف. ۱۳۸۰. جامعه شناسی و توسعه، تهران. نشر فرزاد

